این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

نشانه‌های بندگی حقیقی و جلوه‌های عبودیت

آیت‌الله تحریری:

بندگی حقیقی خداوند، کیمیایی است که مس وجود انسان را زر می‌گرداند و تحولات عمیق و چشمگیری در درک، بینش، اخلاق و رفتار انسان برجای می‌گذارد تا آنجا که قرآن کریم از این تحول شگرف، به «حیات طیبه» تعبیر کرده و فرموده است: «مَنْ عَمِلَ صَـالِحًا مِّن ذَكَرٍ أَوْ أُنثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَوٰةً طَيِّبَةً: هر کس ـ از مرد یا زن ـ کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم.»

منبع: کانال تلگرامی «صراط مستقیم»

ما ترازو نداریم

صفحه توئیتری منتسب به «آیت‌الله فاطمی‌نیا(ره)» بخشی از بیانات ایشان را به اشتراک گذاشت. استاد فاطمی‌نیا(ره) فرموده‌اند: شخصی به آیت‌الله بهاالدینی(ره) توهین کرد. یکی عرض کرد: «اجازه می‌دهید برخورد کنم؟» فرمودند: «نمی‌ترسی برکاتت از بین برود؟» علت چیست؟ علت این است که ترازو نداریم! ما که با کسی پرخاش می‌کنیم، حتی وقتی حق با ماست، چون ترازو نداریم، ممکن است بیش از حقش پرخاش نماییم؛ لذا باید احتیاط کرد!

ورژن جدید اعدام در امریکا!

مینا رشیدی در توئیتی نوشت: خفگی با گاز نیتروژن ورژن جدید اعدام تو امریکاست، بله هیچ کجای دنیا خلافکار مصونیت نداره، ولی تو ایران باید داشته باشه چون اعدام فقط تو ایران ضدحقوق بشره!

کدام ظلم‌ستیزی است که حسین(ع) را نشناسد؟

عبدالله گنجی در توئیتی نوشت: نوه نلسون ماندلا اسطوره مبارز با نژادپرستی و رئیس‌جمهور اسبق آفریقای جنوبی در سفر اربعین. کمتر کسی را می‌توان یافت که با ظلم مبارزه کرده باشد و حسین(ع) را نشناسد و تمجید نکند از ماندلا تا گاندی و...

واکنش شهید ستاری به مهاجرت تحصیلی سورنا

صادق نیکو طی توئیتی به اشتراک گذاشت: خاطره سورنا ستاری از مهاجرت تحصیلی و واکنش شهید ستاری: بورس دانشگاهی در امریکا را گرفته بودم و تقریباً تمام کارهایم را انجام داده بودم و در آخر شاید صحبت من با پدر پنج دقیقه هم طول نکشید که ایشان گفتند: نرو، چون اگر بروی ممکن است برنگردی و این نه به نفع تو و نه به نفع من است!

واکنش کاربران شبکه‌های اجتماعی به فوت خانم مهسا امینی در واحد امنیت اخلاقی پلیس تهران بزرگ

شفاف‌سازی و رسیدگی تسکینی بر التهاب داغ مهسا امینی

فوت خانم مهسا امینی با واکنش‌های بسیاری در شبکه‌های اجتماعی همراه بود. پلیس در اطلاعیه‌ای اعلام کرده است که خانم امینی به همراه تعدادی از افراد به دلیل پوشش نامناسب از سوی مأموران پلیس امنیت اخلاقی تهران بزرگ و به منظور اخذ تعهد و توجیه به یکی از مقرهای پلیس هدایت شدند که وی در جمع سایر مراجعه‌کنندگان در سالن اجتماعات به طور ناگهانی بیهوش و بلافاصله با همکاری پلیس و اورژانس به نزدیک‌ترین بیمارستان جهت مداوا منتقل شد که متأسفانه اقدامات درمانی مثمر ثمر واقع نشد. کاربران ضمن ابراز تأسف از فوت امینی تأکید کردند که باید ابعاد این ماجرا بررسی تا دلیل فوت وی مشخص شود. آنها همچنین با اشاره به فیلم انتشار یافته از سوی پلیس، آن را باطل‌کننده توطئه تلویزیون‌های معاند برای القای ضرب و جرح خانم امینی از سوی پلیس دانستند. در ادامه مروری داشته‌ایم بر برخی از واکنش‌های کاربران.

■ **احمد وحیدی، وزیر کشور:**
امروز با صدور دستوری، سیدمجید میراحمدی معاون امنیتی - انتظامی وزیر کشور را مسئول رسیدگی به حادثه برای مهسا امینی کردم. وی موظف است علت حادثه برای خانم امینی را با فوریت، دقت و به صورت ویژه بررسی و نتیجه را فوراً به اینجانب گزارش کند.

■ **سیدمرتضی فاطمی:**
خسته‌تر و حیران‌تر از آن هستم که از این داغ و اندوه عمیق بنویسم، هر چه می‌گردم واژه کم می‌آورم. پس ای اندوهی که پایان نمی‌پذیری، افزون شو...

■ **علیرضا زادبر:**
تا همین دیروز من و شما هم مهسا امینی را نمی‌شناختیم، زیرا او هم یک شهروند عادی و صاحب حقوق در این کشور بود. آنچه بر او گذشته قطعاً نمی‌تواند مورد تأیید هیچ کس باشد حتی خود پلیس، توضیحات شفاف پلیس و ورود دادستانی لازم است. این هزینه‌سازی‌ها، سرمایه اجتماعی را بر باد می‌دهد.

■ **مهدی عرب صادق:**
یادمان نرود فلسفه حجاب تکریم جایگاه زن است، حال خدشه بر این جایگاه، معلول از هر علتی باشد، آن علت شوم است و نامبارک! وظیفه مسئولان قضایی و امنیتی در این پاسداری، باری سنگین و کوتاهی در آن خطایی نابخشودنی است. شفاف‌سازی و رسیدگی به موقع موضوع مهسا امینی تسکینی بر التهاب افکار عمومی جامعه است!

■ **سبحان برکتی:**
خدا به قلب خانواده امینی آرامش بده داغ جوان واقعاً سخته... فقط اون دسته از دوستانی که ماجرای کتک زدن و درگیری رو وسط کشیدن با دیدن این کلیپ چی واسه گفتن دارن؟

■ **محسن پورپیر:**
فیلم دوربین مداربسته از لحظه ورود خانم مهسا امینی از سوی فراجا منتشر شد، او در کمال صحت و با پای خودش وارد ساختمان شد، در سالنی که می‌شود فضای آموزشی را دید وارد و پس از چند دقیقه ایستادن و صحبت با کارشناس از هوش رفت. همانطور که مشخص بود پلیس به هیچ وجه خشونتی به خرج نداده است.

■ **کاربری با نام «آدم»:**
فیلم دوربین مداربسته نشون داد اولاً لباس این بنده خدا واقعاً در حد یک پوشش عادی و عرفی بوده؛ ثانیاً همین فشار روحی و روانی باعث فوت این بنده خدا شده و مقصرش هم قطعاً گشت ارشاده؛ ثالثاً دروغگویی اون کثافتایی مشخص شد که گفتن کتک خورده.

■ **مهدیه مددی:**
باید حداقل پنج سال تو فضای سیاسی باشید تا بفهمید هیچکی به اندازه جریان معاند واسه مهسا امینی تو توئیتر غصه نمی‌خوره و هیچکی مثل خود جریان معاند تو حقیقت ازاین مرگ شاد نیست.

■ **مسعود یارضوی:**
باید به خانم مهسا امینی اهمیت بدهیم، ولی نه از لسان و قلم آنها که می‌نویسند تا لایک بگیرند، حساسیت کردی برانگیزند، زنان را حساس کنند و معاند نظام جمهوری اسلامی ایران هم هستند! اینها گرگ‌های میش‌پوش کمین کرده در مسیر گشت ارشاد هستند نه دلسوز کسی...

رمز ناکارآمدی‌ها از جمله کانون، خروج از متن است

دکتر محمدرضا اخضریان کاشی در کانال تلگرامی خود نوشت: در ماجرای ایده خام و تلخ واگذاری کتابخانه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان به نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور صرفنظر از تلخی موضوع و بیانیه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی که عملاً وجود چنین ایده‌ای را تأیید می‌کرد، آنچه آزاردهنده‌تر و تلخ‌تر بود سکوت وزارت آموزش و پرورش بود. جز پیام کوتاه توئیتری مدیرعامل کانون، هیچ فریادی از سوی آموزش و پرورش برنخاست.

حتی اگر این ایده را در حد یک پیشنهاد ساده در سطح کارشناسان هم تلقی کرده باشند، جا داشت موضعی روشن و سخت در برابر آن گرفته شود تا چنین ایده‌هایی جرئت جدی شدن نیابند. شوربختانه به نظر می‌رسد در آموزش و پرورش درک درستی از ظرفیتی به نام کانون وجود ندارد. سال‌هاست که آموزش و پرورش با دو ساختار حاشیه‌ای، یعنی کانون پرورش و نهضت سوادآموزی دست به گریبان است. دو سازمانی که میلیون‌ها نفر را تحت پوشش دارند، در حالی که سازمان مادرشان یعنی آموزش و پرورش توان مدیریت خود را نیز به سختی دارد.

رخداد حوادثی چون پیشنهاد جدایی کتابخانه‌های کانون نشانگرهای خوبی است که از گمشدگی هویت سازمانی در این وزارت مهم خبر می‌دهند که بسان صیدی رها شده منتظر حضور شکارچیان خود است. سخن در باب نهضت سوادآموزی و عملکرد و دستاوردهای آن که بیش از ۴۰ سال است برای باسوادسازی جامعه تلاش می‌کند و همچنان هزاران نفر بی‌سواد تازه افزوده می‌شوند، نیست که جای پرداختن به آن فراوان است. آنچه در این مجال اندک قابل ذکر است نقش و جایگاه کانون در تربیت نسل آینده است. اگر کتابخانه یک بال مرغک کانون است، کانون، خود یک بال آموزش و پرورش است. کانون همان سازمان پرورش این وزارت درحال سردرگمی است که از متن به حاشیه رفته و همچون بسیاری از نهادهای فرهنگی مانند وزارت ارشاد دچار بحران هویت سازمانی شده و به سازمان‌هایی برای اوقات فراغت و پیوست‌هایی فرهنگی برای فعالیت‌های دیگر شده‌اند.

اگر رمز ناکارآمدی آشکار ارشاد و آموزش و پرورش و صداوسیما و... را جست‌وجو کنیم در همین خروج از متن و ورود به عرصه پیوست است.

کانون موفق و کارآمد به واقع همان معاونت پرورشی آموزش و پرورش است که باید به جای طراحی زمان‌های فعالیت تنها برای اوقات فراغت، برای متن پرورش و آموزش در خود مدرسه و ساعات مفید تحصیل تلاش کند و روز و ساعاتی از هفته را به گذران وقت دانش‌آموزان در کتابخانه‌ها و مراکز کانون اختصاص دهد. این امر با بازنگری در ساختار آموزش و پرورش و احیای معاونت فرهنگی و پرورشی کارآمد و سپردن مسئولیت این حوزه به کانون ممکن می‌شود.

کشور، امروز به دانش‌آموزانی کارآفرین و مسئولیت‌پذیر با توانمندی‌های روزآمد نیاز دارد که هرگز در کلاس‌های رسمی مدرسه تربیت نمی‌شوند، در حالی که فرصت این تحول کیفی در سازمان آموزش و پرورش هم اکنون موجود است، اما به سبب نبود نگاه درست به جایگاه مدرسه و کانون از آن غفلت می‌شود و با نگرش مدیریتی که طی این دو دهه بر این وزارتخانه حاکم بوده و همچنان ادامه دارد، بعید است اصلاحی در آن نیز رخ دهد. در چنین شرایطی دست کم نجات کانون از این شرایط می‌تواند یک گزینه عاجل باشد.

شاید به همان اندازه که درآوردن کتابخانه‌های کانون از چاله و انداختن‌شان به چاه نهاد کتابخانه‌ها و وزارت ارشاد می‌تواند یک پیشنهاد کارشناسی باشد، تشکیل «سازمان ملی کودکان و نوجوانان ایران» به عنوان متولی پرورش استعدادهای فرهنگی، هنری و اجتماعی نسل آینده با کارکردهای متنوع فرهنگی و اجتماعی می‌تواند پیشنهادی به مراتب کارشناسی‌تر و کارآمدتر باشد.

امیدوارم عزیزانی که در جایگاه‌های کارشناسی حضور دارند نسبت به مطالعه و بررسی پیشنهادهای اصلاحی با نگاهی راهبردی و نه بخشی نگر اقدام کنند و تحول در ساختارها را با لحاظ منافع بلندمدت و مبتنی بر ارزیابی عملکردها و سوابق سازمان‌ها عملیاتی سازند.

حالا همدان هم آب دارد

محمد عنایتی نجف‌آبادی در توئیتی نوشت: مسئله آب شرب همدانی‌ها پس از دو دهه به صورت پایدار حل شد... شب گذشته با اتمام عملیات اجرایی اَبَرپروژه آبرسانی همدان، آب روانه این شهر شد و مخازن تعبیه شده در حال آبگیری است. حالا همدان آب دارد.

پهلوان با بصیرت

سیدمحمد میرسیفی در توئیتی نوشت: حسن یزدانی بعد از مسابقه خودش وقتی اومد مصاحبه کنه از خبرنگار پرسید از کدوم شبکه‌ای؟ بعد مصاحبه کرد چون میدونه از اینترآشغال میریزن اونجا تا شرو ور تفت بدن! پهلوون با بصیرت این شکلیه دوستان...

مراسم عجیب «مانه‌نه» در اندونزی

کانال تلگرامی «عجایب جهان» از رسم عجیبی در روستایی در اندونزی گزارش داد. در این گزارش آمده مردم روستایی در اندونزی رسم عجیبی برای مراسم تدفین مردگان خود دارند که احتمالاً برای بسیاری از مردم جهان چندان خوشایند نیست، اما اهالی این روستا با خوشحالی و شادی عزیزان خود را از قبور خارج می‌کنند و با آنها عکس یادگاری می‌گیرند. خانواده‌ای در جزیره سولاوسی اندونزی، لباسی بر تن عزیز درگذشته خود می‌کنند و با جسم بی‌روح آنها عکس یادگاری می‌گیرند. مردم این روستا در مراسمی که «مانه‌نه» نامیده می‌شود، فوت یکی از اعضای خانواده را به شکلی غیرمتعارف گرامی می‌دارند. در این مراسم مردم با نبش قبر، اجساد عزیزانشان را از قبر بیرون می‌آورند!

نیرنگ ملکه انگلیس در احترام به بت‌پرستی

کانال تلگرامی «آب و آتش» بخشی از آثار استاد شهید مرتضی مطهری(ره) را به استناد جلد ۲۴ مجموعه آثار صفحه۱۲۳ به اشتراک گذاشت. استاد شهید فرموده‌اند: شما مقایسه‌ای کنید میان کار ابراهیم بت‌شکن و همچنین کار رسول اکرم «ص» از یک‌طرف و کار ملکه انگلستان از طرف دیگر. پیامبر بعد از فتح مکه به‌عنوان آزادی عقیده بت‌ها را باقی نگذاشت و تمام بت‌ها را از بین برد، زیرا این بت‌ها سمبل اسارت فکری مردم هستند. صدها سال بود فکر این مردم، اسیر این بت‌های چوبی و فلزی بود که به کعبه آویخته بودند. پیامبر تمام این بت‌ها را در هم ریخت و واقعاً مردم را از خرافات آزاد کرد. حال شما این کار را مقایسه کنید با اینکه ملکه انگلستان در سفر به هند وقتی می‌خواست به تماشای یک بت‌خانه برود، مردم عادی وقتی می‌خواستند داخل صحن بت‌خانه شوند کفش‌هایشان را می‌کندند، او هنوز به صحن نرسیده و خیلی قبل از رسیدن به صحن، کفش‌هایش را به احترام بت‌ها کند و از همه آن بت‌پرست‌ها مؤدب‌تر مقابل بت‌ها ایستاد و به آنها احترام کرد. یک عده هم گفتند ببینید ملکه روشنفکر چقدر به عقاید مردم احترام می‌گذارد! آنها نمی‌دانند این نیرنگ استعمار و فریب بزرگ ملکه است. در حقیقت این کار ملکه، احترام به «اسارت» است. احترام ملکه انگلیس به بت‌پرستی، احترام به «جهل» است. به اسم احترام به آزادی، جهل و خرافات را ترویج می‌کند. همین بت‌خانه‌ها هستند که هند را به زنجیر کشیده و رام استعمارگر کرده‌اند. آن احترام ملکه انگلیس احترام به آزادی نیست، خدمت به استعمار است.

یکی از رایج‌ترین اشتباهات دوران خواستگاری

کانال تلگرامی «حامین مدیا» نوشت: آشنایی شرط لازم برای یک ازدواج موفق است، اما کافی نیست! کسب تجربه از والدین، به خصوص والد همجنس، اطرافیان، مطالعه کتاب و شرکت در کلاس‌های آموزش پیش از ازدواج بسیار تأثیرگذار است. با این حال به برخی اشتباه‌های رایج در مرحله آشنایی و جلسات خواستگاری پرداخته می‌شود. همه سؤالات‌شان را از یکدیگر نمی‌پرسند: در مرحله خواستگاری و آشنایی، بعضی دختر و پسرها به دلایل مختلفی از پرسیدن سؤالات کافی اجتناب می‌کنند. افراد به چهار دلیل در این مرحله سؤال نمی‌پرسند: ۱) نمی‌خواهند صفات منفی از طرف مقابل‌شان بشنوند که به تبع آن، این فرصت ازدواج را از دست بدهند. ۲) می‌ترسند از آنها همین سؤالات پرسیده شود. ۳) به دلیل علاقه مندشدن به یکدیگر نمی‌خواهند جنبه عاشقانه رابطه‌شان از بین برود. ۴) اصلاً نمی‌دانند دقیقاً باید چه سؤالاتی بپرسند؟ این در حالی است که کلید شناخت دیگری، پرسیدن سؤال از اوست، چراکه هرچه افراد شناخت کمتری از خصوصیات و رفتار یکدیگر کسب کنند، در رابطه شان بیشتر دچار خشم و ناامیدی خواهند شد.

ملاک و معیار جامعه‌شناسان ایرانی برای دیده شدن و ندیده‌شدن پدیده‌ها

کانال تلگرامی «اندیشه و فرهنگ» به نقل از «دکتر علیرضا شجاعی‌زند» به اشتراک گذاشت: وقتی به برخی از پدیده‌های جهان اسلام نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که اجماعی برای ندیده‌شدن برخی از پدیده‌ها و اصراری برای دیده‌شدن پدیده‌های دیگر وجود دارد. متأسفانه این جریان درون جامعه علمی هم راه افتاده است و برخی از جامعه‌شناسان عمداً یا سهواً برخی از مسائل را از زیر چشم می‌گذرانند. بنابراین مسئله من دیدن یا ندیدن می‌شود و بر در همین رابطه دوگانه‌ای دارد که در آن تلاش کرده برخی از سوءتفاهم‌های جانبداری علم را حل و فصل کند. ربط ارزشی و داوری ارزشی دوگانه و بر است. در ربط ارزشی، انتخاب ارزشی موضوع پژوهش مطرح می‌شود، به این معنا که محقق حق دارد موضوع مورد مطالعه‌اش را انتخاب کند، اما در بخش داوری ارزشی، ارزش‌ها کنترل می‌شود. ملاک و معیار جامعه‌شناسان ایرانی برای دیده شدن و ندیده شدن پدیده‌ها چیست و چه می‌شود برخی از پدیده‌ها توجه و به برخی دیگر بی‌توجهی می‌شود؟ به عقیده من هر چه پدیده‌های جامعه گسترده‌تر باشد، مغفول‌تر می‌شود و در عوض هر چه کوچک‌تر باشد، کمتر مورد توجه قرار می‌گیرد. جامعه‌شناسان، پدیده‌های عظیمی چون اربعین و جمکران را نمی‌بینند، در عوض به موضوعات کوچک ادیان دیگر می‌پردازند. علاوه بر این، به نظر می‌رسد هر چه پدیده‌های ایران آسیبی‌تر باشد، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد، هر چه اپوزیسیون‌تر باشد، مطلوب‌تر می‌شود و هر چه چالش‌ها و تعارضات را بیشتر نشان دهد، به آن بیشتر توجه می‌شود. خلاصه اینکه وقتی مسئله‌مندی با این ویژگی‌ها تعریف شود، پدیده هایی مثل اربعین دیده نمی‌شود.

منبع: سخنرانی دکتر علیرضا شجاعی‌زند در همایش ظرفیت‌های فرهنگی و تمدنی اربعین، ۲۰ آبان ۹۴

تصویر منتخب

یکی از بهترین عکس‌های اربعین امسال
توئیتر علی‌اکبر حسین‌زاده